

Scan: <http://www.new.dli.ernet.in/>  
PDF: <http://www.KetabFarsi.com>

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

﴿ اصول آدمیت ﴾

﴿ مفتاح ﴾

﴿ حجت ﴾

﴿ توفیق امانت ﴾

مب و نگارنده جناب اشرف برنس

مذہب خان نظام الدولہ



مقلب ، مطالب همه مقدم مؤخر ، آنچه  
 در اول جوانی محض نفس بوده است ، ام تا شکر بر آید  
 دوائی مخلوط ، بعضی صحبت و گفتار ، بعضی  
 دیگر است و هم در

مقصود اصلی از آن جمله فصل دهمی است [ در نامه  
 عجمی ] اگر چه بعضی از جمله های آن سینه بکار  
 نمانده است فصل دهمی در سینه ، طریقه  
 مرور درین عالم سرب در دستر جاری ، مکرمت  
 درسته ، حقیقتی است که همیشه که هیچ بیست  
 رنجور است و در دستر سینه بماند اگر در صورتی  
 که حد و امدادی در آن است ، بر آن  
 است عجم به شکی نیست در دستر که در  
 است در دستر رفیع بود است نمودن شکر است  
 سینه در بدین است در دستر در دستر  
 است در دستر است در دستر است در دستر  
 است در دستر است در دستر است در دستر  
 است در دستر است در دستر است در دستر  
 است در دستر است در دستر است در دستر

بشوند .

از نگارشات سابق آنچه معلوم و ثابت است  
فقط چهل پنجاه نمره جریده قانون است ، و البته  
در نظر هست که قیمت هر نمره در اول يك لیره  
بود بعد خیلی گران تر شد و رسید بيك ذره  
نمود و حالا دو شرط دیگر بر آن قیمت افزاف  
می افزایم .

ولا از اولاد ارشد ایران که ضابط طبع این  
رسائل بمقدار شده اند این تمنا را دارم که بيك  
توجه کرمانه مواظب باشند که در الفاظ و مضامین  
رسائل هیچ - هو و غلطی باقی نماند .

و استعدای آخر اینست - که در ابتدای تحریرات  
بنده ضبع همین اعلام حضرا بذل عمو خطایای  
این شده - حق برست بفرمایند .

جن نهار ایران زنده نظام الدوله ما کیم

## اصول آدمیت

بسم الله الرحمن الرحيم

- ۱ - ستایش باد بر انسان که جوئیای علم و ضابط آدمیت آمده است .
- ۲ - معنی همتی نیست مگر در علم .
- ۳ - معنی انسان نیست مگر در آدمیت .
- ۴ - بر چیزی انسان غافل قدرت تو نه این است که در ضامن جهل خود را مشاهده می نمائی !  
 بر چیزی داخل آدمیت شو ، و در عالم انوار علم بین در ازل چه وجود عالی بوده و حال در قعر چه نوع پستی و ذلت او داده ؟
- ۵ - انسان در اول پادشاه روی زمین بوده بجهت اینکه آدمیت را از دست نداده بود .
- ۶ - انسان حال اسیر ذات تنده بجهت اینکه آدمیت را فراموش کرده است .
- ۷ - ای انسان پیچاره پیچارگی تو از شمنان  
 . . . . .

۸ - اگر صاحب قدرت هستی آدم بسو .  
۹ - زندگی بود در آدمیت است ، مطوب در  
آدمیت است .

۱۰ - بر حیرتی ذابیل عملت ، بر حیرت  
و کرد این رساله را بخوان ، اصول آدمیت را  
بس که نجات تو میسر نخواهد بود مگر با توار  
تعم ، و به نور علم تقرب نخواهی یافت مگر با اصول  
آدمیت .

۱۱ - این رساله شریفه و ممتل است ﴿﴾

﴿﴾ بر دو محور و بیست و پنج فصل ﴿﴾

( ۱ ) حمد بر خداوند عالم ( ۲ ) وحده

ذوالهار .

﴿﴾ فصل پنجم در بیان معنی آدمیت ﴿﴾

۱ - نمان شریف محفوظات روی زمین است .

۲ - شرافت نمان بر سایر حیوانات بهی بر

ین بستند است که سایر حیوانات قابل ترقی و تنزل

بستند و بس قابل ترقی و تنزل است .

- ۳ - ز برای ترقی و تعزین انسان سه عاملست  
 ۱ - حیوانی ، ۲ - عالم جمادی ، ۳ - عالم آدمیت .
- ۴ - هر وقت انسان درجه انسانیّت خود را  
 در يك حات معين نگاه ندارد داخل عالم حیوانی  
 محسوب میشود .
- ۵ - هر وقت انسان درجه انسانیّت خود را  
 در آن مهلکه در دسترس بدهد داخل جمادات  
 میشود .
- ۶ - هر وقت انسان درجه انسانیّت خود را  
 در حات بالا ترقی بدهد آنوقت داخل آدمیت  
 میشود .
- ۷ - پس آدمیت عبارتست از علو انسان و  
 عوملی که مخصوص نسل انسانیست .
- ۸ - انسان در دنیا درجه انسانیّت که بر حود  
 دارد را از سه حیوانی ، عالم آدمیت برساند .
- ۹ - خداوند قدر تکالیف آدمیت در وقت  
 انسان و دینت گماشته است .

۱۰ - جہاں دنیا تکالیف آدہیت را از خاطر  
انسان محو کرده است ، انوار علم تکالیف آدہیت  
را مجدداً در نظر انسان محسوس و روشن میسازد .

﴿ فصل دوم در تکالیف آدہیت ﴾  
﴿ آدہیت ہفت تکالیف دارد ﴾

- ۱ - اجتناب از بدی
- ۲ - اقدام بہ نیکی
- ۳ - در رفع ظلم
- ۴ - آفاق
- ۵ - طلب علم
- ۶ - ترویج آدہیت
- ۷ - حفظ نظام

﴿ فصل سوم در بیان تکالیف اول ﴾

﴿ اجتناب از بدی ﴾

- ۱ - آنچه نمیخواہی بتو بکنند آن بدی است .
- ۲ - آدم باید نہ بقول و نہ بفعل و نہ بہرہیچ قسم از  
اقسام دیگری بدی بکنند .



اصول آدمیت ۵ جزو اول

۳ - عقل انسان این تکلیف را اول تکلیف آدمیت قرار داده است .

۴ - کل انبیاء بجهة استقرار و تصدیق این تکلیف مأمور بوده اند .

۵ - هر کس بدیگری بدی نکند او آدم نیست .

فصل چهارم در بیان تکلیف دوم

اولاد به نیکی

۱ - هرگاه کسی بدیگری بدی نکند فقط

باجرای این يك تکلیف آدم نخواهد بود زیرا که

جادات باطبع بهیچکس بدی نمیکنند پس بجهة

آدمیت کافی نیست که شخص بدیگری بدی نکند .

۲ - بدی نکردن ادنی پایه آدمیت و او این

تکلیف به نیکی است .

۳ - تکلیف ثانی آدم اینست که در هر مقام

بقدر قوه در اجرای نیکی بکوشد .

۴ - آنچه میخواهی که دیگران در حق تو

معمول ندارند آن نیکی است .

صوت آدمیت ۶ جزو اول

۵ - آدم و هور است که در دنیا بدیگران  
نیکی بکنند .

۶ - کسیکه بکروز از عمر خود را بگذراند  
بی آنکه نیکی بکند آن کس رزق و حیات خود را  
ز حد فرزند دزدیده است زیرا که مزد گرفته و  
کار کرده است .

۷ - کسیکه نیکی نکند درخت بی ثمر است  
و حیوان که خدا انسان درخت با ثمر آفریده است .

۸ - خدا جمیع ثمرات نیکی را در خلقت  
نعمتی و درایت گذاشته است و انسان را مأمور کرده  
است که آن ثمرات را ببرد و بدهد ، و هر گاه انسان  
ثمرات نیکی را ببرد و بدهد حیانت بمأموریت خود  
و مخالفت بر نیت الهی کرده است .

۹ - هر کس مخائمت با اراده الهی به کند او  
شرف نسبت محروم و مردود است .

۱۰ - شکر انسان نسبت بخدا ممکن نیست  
مگر به جوری نیکی .

فصل پنجم در بیان تکلیف

سوم رفع ظلم

- ۱ - آنچه خلاف حق است آن ظلم است .
- ۲ - آدم باید دشمن ظلم باشد ، و در هر جا که ظلم به بیند باید با تمام قدرت خود بتمام رفع آنظلم بر آید .
- ۳ - ظلم محرب دنیاست .
- ۴ - ظلم در هر جا و نسبت به هر کس که وارد بیاید رفع آنظلم بر آدم واجبست .
- ۵ - آن ظلمی که بشخص تو می کنند و آن ظلمی که بدیگری وارد میاورند هر دو یکمندی دارد و رفع هر دو بر تو واجبست .
- ۶ - ظلم نکردن برای آدم هنر نیست ، هنر آدم در اینست که نگذارد دیگری هم بدیگری ظلم کند .
- ۷ - رفع ظلم ممکن نیست مگر بمردانگی .
- ۸ - مردانگی یعنی شراکت با هر مضوم و جهاد با هر ظالم .

- ۹ - در جهان هر ضایفه که مردانگی نباشد  
 ممکن نیست که در آنطرفه منتهای ظلم نباشد .
- ۱۰ - من ظلم نمیکنم حرف آدم نیست ،  
 حرف آدم باید این باشد که من نمیگذارم ظلم به کند .
- ۱۱ - سکوت در ظلم و انتهای نامردی است .
- ۱۲ - از برای آدمی کافی نیست که دوست  
 نیکی باشد ، آدم باید حکماً دشمن بدی و بدی  
 خد باشد .
- ۱۳ - آدم باید اولاً زمانی بفهماند که منکر  
 خد است .
- ۱۴ - کسی که بضم عداوت مداومت داشته باشد چهل  
 مرتبه از حیوان پست تر است .
- ۱۵ - هر کس بک خد را رافع به کند ، همان  
 نیست که بکدهبانی را نظم داده باشد .
- ۱۶ - خوب ، بچول کسیکه ظلم نمی کند ، و  
 هزار بار خوشا بچول کسیکه اسباب رافع ظلم میشود .
- ۱۷ - مردانگی بنیان نظم دنیاست .

اصول آدمیت ۹ جزو اول

۱۸ - بدون مردانگی زندگانی آدمیت  
محال است .

۱۹ - ظلمی که بتو وارد میاید مختار هستی  
که آنظلم را عفو کنی .

۲۰ - ظلمی که بدیگری وارد میاورند ابتدا  
نمی‌توانی آن را عفو نمائی ، و تا شرف آدمیت  
در وجود تو به قیامت نرسد در دفع آن خیر و در تلافی  
مظلوم با تمام قدرت خود اجتهاد نمائی .

۲۱ - باید آدم آنقدر شعور داشته باشد که بفهمد  
عز خاتمیکه در یک ملک بیست نفر وارد میاید ممکن  
بست که آنظلم بکل آن ملک راجع نشود ، و آنچه  
راجع بکل آن یک ملک است ممکن هست که بمثل  
راجع بهر یک از اهالی آن ملک بشود .

۲۲ - حرة عم وقتی آسانست که راجع  
بدیگری است همانکه ظلم بتو رسد چه میتوانی  
به کنی .

۲۳ - امانت بر خیر نیست ، امانت بر افسر از ظلم

نت .

۴ - ورود دهن آدم باید این باشد « لغت بر  
خیز و آفرین مردانگی »

فصل ششم در بیان تکلیف

چهارم در انفاق

۱ - انفاق سبب خرابی بنیان ظلم و مایه  
آبدی دنیا است .

۲ - آینه، صورت خود را در دنیا بعمل نمیتواند  
بیورد مگر به انقی .

۳ - آدم بحکم عقل و بحکم طبیعت خود باید  
به آینه متفق باشد .

۴ - درجه آینه پیش ضویب بسته بدرجه  
مردانگی است و اینک معنی و قدرت مردانگی  
زاتی که لا روز هستند که مردانگی آحادین  
حقیقتاً بر علم نوری جمع بسود .

۵ - انقی بنیان ظلم است .

۶ - کسیکه به جمعیت آینه متفق نباشد آدم

نیست .

۷ - اتفاق قلعه عدل و مومن زندگیست ، هر کس خود را از اتفاق آدمیت خارج بسازد بدیوانه میزند که قلعه شهر خود را خراب و لشکر ظلم را بجای خود دعوت نماید .

۸ - بدترین دشمن خدا کسی است که حامل باثفاق آدمیت برساند زیرا که اتفاق کرخانه آبدی دنیا است .

### فصل هفتم در بیان نکات

#### بخیم در طلب علم

۱ - در انسان دو قسم چشم کرامت فروده است ، یکی چشم ظاهری ، و یکی بصیرت معنوی چنانچه در علم ظاهری است ، در علم معنی یث آفتاب معنوی و این آفتاب معنوی مجمع آن حقیقت است که در وید کریمه از نور حقیقت خود قسمت بصیرت بنی آدم بر حقه است .

۲ - در دنیا آنچه فصل و معرفت و کن پرور

- کرده کلا از پرتو آفتاب علم است .
- ۳ - انسان تا انوار آفتاب علم نرسیده است  
ممکن نیست که مقصد هستی خود را بتواند درک  
نماید .
- ۴ - رسیدن بعلم موقوف باجتهاد انسان  
است .
- ۵ - هر کس طالب علم نیست بگوری میماند  
که طالب بنیاطی نباشد .
- ۶ - حکماً آدم باید طالب علم باشد
- ۷ - آفتاب علم در مدینه شریفه است .
- ۸ - مدینه شریفه مجمع انوار حق است .
- ۹ - متبها ترقی آدمیت رسیدن مدینه شریفه  
است .
- ۱۰ - مدینه شریفه عالم و احاطه دارد .
- ۱۱ - هیچ کس آفتاب مدینه علم را نخواهد  
دید مگر آدم .

فصل هشتم در بیان تکلیف ﴿﴾



ششم در ترویج

- ۱ - تکلیف انسان اینست که خود را آده بکند ، تکلیف آده اینست که دیگران را آدم بکند .
- ۲ - معنی و قدرت آدمیت باید عدد آدههارا دردیاز زیاد بکند .
- ۳ - آدم باید بهر وسیله که بتواند آدمیت را ترویج بدهد .
- ۴ - آدم کامل آنست که مال و جان خود را وقف ترویج آدمیت بکند .
- ۵ - بحیات دنیا موقوف ترویج آدمیت است .

فصل نهم در بیان تکلیف هفتم

در حصص نظام

- ۱ - آدم بالانفراد ضعیف است ، قدرت آدمیت در موافقت افراد آدمیت است .
- ۲ - موافقت افراد ممکن نیست مگر

بستقر و یت نظام .

- ۳ - نیم آدبیت عبارتست از کل آن قواع .  
 که بجهت وصول و واقفیت آدبیت وضع شده است .
- ۴ - در هر تهنیدی از رای حیط موافقت آدبیت یت نصای بوده است .
- ۵ - احتیاجات نظام آدبیت در مدینه نریده است .
- ۶ - بدون نظام آدبیت افراد آدبیت همیشه زهدیگر جدا و همبسته به اسم انسانی خواهد بود .
- ۷ - نجات آدبیت موقوف بحیط نظام آدبیت است .
- ۸ - حیط و متابعت و استیحاکم بیانی نظام بر هر آدم واجبست .

✿ جرو دوم در قواعد نظام ✿

✿ مشتمل بر سائزده فصل ✿

✿ فصل اول در معنی قواعد نظام ✿

- ۱ - قواعد نظام یعنی معانی قدرت آدبیت .

۲ - بدون قواعد نظام نیست . بدون  
نظام ، تفق است در آداب

۳ - حرف مکن که متعصب قواعد نظام خارج  
در آداب است .

۴ - در هر نسخه قواعد نظام حکمتی هست

۵ - هر قدر در عوام آذیت بالابر بر روی ممالی

در روزم قواعد در نظر تو بیشتر جود دارد کرد

۶ - تفق آذیت عمارت است که بر روی این

قواعد بنا شده است ، هر یک در یک نقطه این

قواعد نگیری مثل این خواهد بود که یکسمت

در عمارت در حرف کبی بی آنکه بتوانی در

عوض آنخر بی بکنقطه را تعمیر نمائی .

۷ - در ایرادات خود تعجبیل مکن . و بدان

که آنچه حال مبدائی یا وقتی باش اریں خواهی

دست ، و آنچه حلامی بی کوقتی ، فوق آن را

خواهی دید .

۸ - قواعد نظام را در دینش شریفه همین

فرموده آمد .

- ۹ - آنچه هست در مدینه شریفه است .
- ۱۰ - تانه بینی نخواستی فهمید ، تانرسی نخواستی دید . و نخواستی رسید مگر بقواعد نظام .

### ﴿ فصل دوم در شرایط آدهیت ﴾

- آدهیت در عالم نظام سه شرط دارد ( ۱ )  
ارتباط ( ۲ ) اقرار ( ۳ ) تعهد .

### ﴿ فصل سوم در بیان ارتباط ﴾

- ۱ - آدم باید باقتضای تکلیف اتفاق با عالم آدهیت يك ربطی مخصوص داشته باشد .
- ۲ - حفظ و روابط اجزاء آدهیت با عالم آدهیت محول باشخصی است که از جانب اولیای عالم مخصوصاً از برای خدمت معین مأمور شده اند .
- ۳ - لقب این مأمورین [ امین ] است .
- ۴ - ارتباط در عالم نظام یعنی داشتن يك امین مخصوص .
- ۵ - هر آدم باید حکماً يك امین مخصوص داشته

باشد .

۶ - امین واسطه است میان آدم و عوالم فوق

آدمیت .

۷ - امین یکی از نقاط ارتباط اتفاق آدمیت است .

۸ - کسیکه امین نداشته باشد از اتفاق آدمیت

خارج است .

۹ - امین در هر ایس باشد بیه، او را محترم

داشت .

۱۰ - بدون امین ارتباط نیست . و بدون

ارتباط اتفاق . و بدون اتفاق آدمیت معدوم است .

۱۱ - آدم باید اسم امین خود را هرگز بروز

ندهد مگر باذن امین .

۱۲ - آدم باید آنچه از امین خود بشنود

بهبیچکس بروز ندهد مگر باذن امین .

﴿ فصل چهارم در بیان اقرار ﴾

۱ - اقرار یعنی اعتراف بآدمیت خود .

۲ - مضمون اقرار ازین قرار است -

من اقرار میکنم که من آدم هستم .  
 ۳ - هر کس بخواند داخل آدابیت بشود  
 باید بن مضمون را در پیش امین خود بزبان  
 جاری نماید .

۴ - آدم باید در هیچ موقع از اقرار بآدابیت  
 خود منصرفه نداشته باشد .

### فصل پنجم در بیان تعهد

۱ - آدم باید اجرای تکالیف آدابیت را  
 عوفق اصول آدابیت بموجب تعهد معین برعهده  
 خود واجب سازد .

۲ - مضمون تعهد از قرار ذیل است .

« من که آدم هستم در حضور خداوند عالم ، و ارواح  
 انبیاء مرسلین ، و ملائکه مقربین ، و اولیاء دین در  
 این مکان مقدس با کمال صدق و راستی تعهد میکنم  
 که همیشه آدم باشم ، و تکالیف آدابیت را موافق  
 اصول آدابیت که شما ما و تحریراً از مجمع مقدس  
 بمن القا شده و میشنود و خواهد شد مالا و جانا

اجراً بدارم « و اگر ازین تعهد خود تکول نمایم  
 مضمون اول وابدو مردود جداوند لا شریک له باشم »  
 ۳ - هر کس میخواهد داخل آدبیت بشود  
 مضمون تعهد فوقی را در پیش امین خود بزبان  
 خود جزی بسازد .

### فصل ششم در طریق ترویج

۱ - در ترویج آدبیت سه طریقه است  
 ( ۱ ) طریقه تربیت ( ۲ ) طریقه تقویت  
 ( ۳ ) طریقه مساعدت .

- ۲ - تربیت یعنی ترویج آدبیت بزبان .
- ۳ - تقویت یعنی ترویج آدبیت بمال .
- ۴ - مساعدت یعنی ترویج آدبیت بجان .
- ۵ - آدم کامل باید آدبیت خود را در هر  
 يك ازین سه طریقه بعمل بیاورد . هر گاه آدم  
 نتواند در این امر سه طریق قدم بزند در یکی از  
 آنها اقلان ثابت قدم باشد .
- ۶ - باید لامحاله یا مساعد باشد یا معرفی یا مقوی

یا دارای حریصه مقام .

۷ - کسی که نتواند در هیچ يك ازین سه مقام بادهیت خدمت بکند او قابل آدهیت نیست و او را ایداً نباید داخل آدهیت ساخت .

### فصل هفتم در ضریقه تربیت

۱ - آدم باید در هر موقع زبان و فهم و عمل و تدبیر خود را صرف خدمت آدهیت نماید .

۲ - تربیت درهقی محدود خود یعنی انسان را مستند آدهیت ساختن و او را موافق قواعد تربیت نظام داخل آدهیت نمودن .

۳ - آدم باید در هر جا هر کسیرا که بتواند تربیت نماید .

۴ - زنها مربی اطفال آدهیت نیستند تربیت آنها بر همه کس از همه چیز واجب تر است .

۵ - بهترین نیکی آنست که آدم دیگر را آدم بکند .

### فصل هشتم در ضریقه تقویت



- ۱ - آدم باید بقدریکه بتواند از مال خود  
صرف تقویت آدھیت بسازد .
  - ۲ - منتهای تقویت آدھیت است که آدم از بدل مال  
در راه آدھیت هیچ مضائقه ننماید .
  - ۳ - وجوه تقویت کلا باید بتوسط امین  
باولهای مدینة شریفه برسد .
  - ۴ - وجوه تربیت کلا صرف تقویت آدھیت  
میشود .
  - ۵ - مدینة شریفه مستغنی از هزار دینار  
است ، مقصود از تعیین این وجه تسخیر  
درجه آدھیت است .
  - ۶ - کسی که از ادای رسم تقویت مضائقه  
دائمه بگذرد باید او را باتفاق آدھیت راه نداد زیرا  
که وجود او آنقدر بیه مصرف است که این رسم  
جزئی را نمیتواند کسب و ادا نماید ، و آنقدر بی  
عقل است که معنی تقویت را نمیتواند بفهمد .
- ﴿ فصل نهم در طریقہ سعادت ﴾